



شماره ثبت: ۳۱۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	مرور بحث گذشته.....
۲	دومین استثنای حرمت کذب.....
۲	کذب در مقام اصلاح بین الناس.....
۲	مقدمه.....
۳	ادله قرآنی.....
۴	تقسیم بندی آیات.....
۵	ادله روایات.....
۵	نتیجه گیری.....
	جمع بندی..... خطا محل یاب تعریف نشده.
۶	ورود به بحث.....
۶	دلیل اول.....
۶	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۷	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۷	۱. مفاد احب.....
۷	۲. مفاد صلاح و فساد.....
۸	۳. تضاد بین اصلاح و فساد.....
۸	۴. واژه ی احسن.....
۸	۵. مقصود روایت اصلاح بین الناس.....
۸	۶. شمولیت صلاح و فساد.....



مرور بحث گذشته

در جلسات قبل، اولین استثنای کذب، که در مقام دفع ضرر بود گفته شد.

دومین استثنای حرمت کذب

مرحوم شیخ (ره) همین دو استثنا را در مکاسب آورده‌اند و به چند مورد دیگر اشاره کوچک کرده‌اند.

کذب در مقام اصلاح بین الناس

این که برای اصلاح بین متخاصمین و کسانی که قهر هستند، دروغ بگوئید و روابط افراد و گروه‌ها را اصلاح کند. قبل از اینکه وارد ادله بشویم به اصل اصلاح بین الناس می‌پردازیم. بحث اصلاح بین الناس را در جلسات سال گذشته فقه تربیتی صحبت کردیم.

مقدمه

به عنوان مقدمه مطالبی را عرض می‌کنم. اصلاح ۴ کاربرد قرآنی دارد.

۱. انجام عمل صالح: «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۱

۲. اصلاح در امور فردی که با تهذیب و تقوا منطبق است.

۳. اصلاح در امور اجتماعی که در کلام امام حسین (ع) نیز آمده است: «إِنَّمَا خَرَجْتُ أَطْلُبُ الصَّلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٌ»^۲

۴. اصلاح ذات البین: این بین کسانی است که باهم دعوا و درگیری دارند. مراتبی نیز دارند، مثلاً قهر هستند یا درگیری و نزاع‌ها و مقاتله‌ها وجود دارد.

در این بحث، سه اصلاح بالا مدنظر نیست و اصلاح چهارم مدنظر است. این معنای چهارم، از چند نظر شمول دارد.

^۱ بقره، آیه ۲۵

^۲ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹



شماره ثبت: ۳۱۲۷

۱. بین اشخاص و افراد باشد.

۲. درگیری و نزاع بین گروه‌ها و طایفه‌ها است. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا»^۱

حتی در درجات فساد و مقابله نیز شمول دارد. ممکن است فساد بین طرفین در حد یک قهر متعارف و عادی باشد؛ یا در حد مقاتله است.

ادله‌ای که برای اقامه اصلاح ذات البین اشاره کرده‌ایم، به عبارت زیر است.

ادله‌ی قرآنی

۱. آیه اول سوره انفال «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۲

۲. آیه نهم سوره حجرات «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا»^۳

۳. آیه دهم سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۴

در آیه ۹ سوره حجرات، جنگ بین دو گروه در حد مقاتله است.

در آیه ۱۰ سوره حجرات، هم مواردی فردی و اجتماعی را می‌گیرد، حتی زمانی که فساد در حد قهر و مقاتله است را می‌گیرد.

۴. آیه ۱۸۲ سوره بقره «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۵ این آیه دلالت ندارد ولی از نکاتی است که قبلاً ذکر کردیم.

^۱ حجرات، آیه ۹

^۲ انفال، آیه ۱

^۳ حجرات، آیه ۹

^۴ حجرات، آیه ۱۰

^۵ بقره، آیه ۱۸۲



شماره ثبت: ۳۱۲۷

۵. آیه ۱۲۸ سوره نساء «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»^۱ این برای اصلاح بین خانواده است.

۶. آیه ۱۱۴ سوره نساء «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نُّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲ در اینجا معنای چهارم اصلاح است. این را عرض کردیم که اطلاق دارد و هم فردی و اجتماعی و خانوادگی را شامل می‌شود.

۷. آیه ۲۲۴ سوره بقره: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۳

۸. آیه ۸۵ سوره نساء «مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنَ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنَ لَهُ كُفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا»^۴ در اینجا اصلاح نیامده است و کلمه شفیع وارد شده است.

این هشت آیه برای اصلاح به معنای چهارم اصلاح است.

تقسیم بندی آیات

بعضی از آیات خاص دعوای فردی یا خانوادگی و اجتماعی در حد برخوردهای مقاتله و جنگ است.

بعضی از آیات نیز عام است و تمام موارد بالا را می‌گیرد.

بعضی از آیات افاده وجوب می‌کند و بعضی دلالت بر استحباب دارد مثل سوره ۸۵ سوره نساء. در این نوع آیات، امری وجود ندارد و استحباب است.

^۱ نساء، آیه ۱۲۸

^۲ سوره نساء، آیه ۱۱۴

^۳ بقره، آیه ۲۲۴

^۴ نساء، آیه ۸۵



شماره ثبت: ۳۱۲۷

ادله روایات

در وسائل کتاب صلح این روایات آمده است در باب اصلاح بین الناس آمده است. در بحار جلد ۷۶، بابی به نام باب اصلاح بین الناس وجود دارد. در کتاب کافی، جلد ۲، صفحه ۲۱۰ باب اصلاح بین الناس، عنوانی است.

نتیجه گیری

این آیات و روایاتی است که برای اصلاح بین الناس وارد شده است. طبق مطالبی که قبلاً بحث کرده ایم، نتیجه می گیریم:

۱. حکم مستفاد از مجموع آیات به عنوان مطلق، استحباب مؤکد مطلق است. یعنی مستحب است که انسان بین انسان ها سازش برقرار کند. بسیاری از ادله بیشتر از استحباب ذکر نمی کنند و دو ادله ای که وجوب را استفاده می کند، خاص است و یا نکته ای فنی دارد که نمی توان وجوب را استفاده کرد.

۲. در بعضی از جاها اصلاح واجب است، یعنی در جاهایی که این اختلاف باعث قتل و فساد عظیمی می شود.

جمع بندی

این مقدمه ای بحث بود. از این مقدمه نتیجه می گیریم که اصلاح بین افراد و گروه ها محل استثنای کذب است. البته نتیجه گرفتیم این اصلاح یک امر مستحب است و وجوب مطلق کلی ندارد.

پایه ریزی ابواب جدید فقه دو نوع مسئله دارد:

۱. مسائل جدیدی به وجود آمده باشد.

۲. با قطع نظر از مسائل امروز، در همین روایات، مجموعه ای زیادی احکام استحبابی و وجوبی وجود دارد که هنوز مطرح نشده است. شاید اگر طبقه بندی بکنیم، آن وقت شاید نکات خاصی را از آنها برگیریم. مثلاً فقه اجتماعی، روابط میان فردی یکی از این ابواب است. این باب باید کاملاً مستقل باشد. متأسفانه رها شده است. اصلاح یک ارزش اخلاقی و فقهی بسیار مهم است. در فقه موضوعی، جایگاهی ندارد. البته ما در اواخر فقه تربیتی، به صورت خلاصه این طبقه بندی را آوردیم.



شماره ثبت: ۳۱۲۷

ورود به بحث

مطلقاً می‌گوییم که کذب حرام است. در امر ۲۹ گفتیم که استثنائاتی به کذب وارد شده است. دومین استثنا کذب در مقام اصلاح بین الناس است. باید ادله این را بررسی کنیم. ابتدا روایات را می‌گوییم و در ضمن روایات، آیات را بحث می‌کنیم. یک فرمایش نیز آقای خویی (ره) دارند که در مورد فواید آن است که بحث خواهیم کرد.

دلیل اول

در کتاب الحج، ابواب احکام العشرة، باب ۱۴۱ روایتی آمده است. خوشبختانه مرحوم حر عاملی به عنوان ضوابط بین مؤمنان اشاره کرده است. این کتاب العشرة در حج وارد شده است. این یک اشکال است. زیرا این کتاب مستقل است. همین که حر عاملی و علمای اخلاق به این مسئله اهمیت داده‌اند، جای خوشحالی است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْتِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ص لِعَلِيٍّ ع قَالَ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفُسَادِ إِلَى أَنْ قَالَ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكُذِبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَ عِدَّتُكَ وَ زَوْجَتُكَ وَ الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ.»^۱

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت اعتبار ندارد. حماد بن عمر و انس بن محمد، دو سند است. یک بار می‌گوید تا حماد بن عمر می‌گوییم و یک بار تا انس بن محمد نقل می‌کند. هردوی این‌ها از امام صادق (ع) نقل می‌کنند. این دو از روایتی هستند که توثیقی در نجاشی و جای دیگر ندارند. از سویی کثرت روایت نیز ندارند. شاید هردوی این‌ها، دو، سه روایت بیشتر ندارند. پدر انس نیز توثیق ندارد. بنابراین حماد بن عمر و انس بن محمد و پدرش توثیق ندارند. البته این مضمون در روایات معتبر آمده است. به عنوان مؤید استفاده می‌شود. اما مستقلاً سند مخدوش است.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۲



بررسی روایت از لحاظ دلالت

در مورد دلالت این روایت چند نکته را عرض می‌کنیم:

۱. مفاد احب

در جمله‌ی اول آمده است: «أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ». در کلمه «احب» این جمله سه احتمال وجود دارد:

۱. «احب» این امر در مقام توهّم حظر است. چون کذب حرام است و در اینجا فرموده است که خوب است، یعنی حرمت را ندارد. نه اینکه رجحان داشته باشد. در اینجا رافع حرمت است. وقتی که می‌گوید این کار را بکنید به معنای اعلام پایان منع است. از جواز به معنای عام استفاده می‌شود.

۲. احتمال دوم این است که کاربرد واژه «احب» در اینجا که مستقیم دوست داشتن را اعلام می‌کند، هرچند در مقام توهّم حظر است، فراتر از امر در مقام توهّم حظر است. این یک باب اضافه‌ای را افاده می‌کند که بیش از استحباب نیست. یعنی دوست داشتن خداوند، اعم است. یعنی هم واجبات و مستحبات را شامل می‌شود. «احب» رجحان را می‌رساند و وجوب را نمی‌رساند.

۳. «احب» را وجوب بگیریم. این وجوب به خاطر تقابل آن با «ابغض» است. «إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفَسَادِ» اگر به قرینه تقابل اگر بگیریم و چون امر مهمی است باید بگوییم که الزام است.

این سه احتمالی است که در اینجا وجود دارد. ظاهراً احتمال دوم، اظهرتر است. زیرا تقابل بین این دو صحیح نیست. الزامی در این نیست که در تقابل یا در صلاح، اصلاح واجب است که بگوییم این دو قرینه، دلالت وجوب را می‌رساند.

۲. مفاد صلاح و فساد

در جمله اول آمده است: «أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفَسَادِ» در مورد صلاح و فساد دو احتمال وجود دارد:

۱. صلاح و فساد به معنای عام: یعنی کار خوب و کار بد. کذبی که در آن صلاحی (خیری) وجود دارد و کذبی که در آن فساد (بدی) وجود دارد. ممکن است صلاح و فساد عمومی و فردی دیگری باشد. مثلاً باعث می‌شود گروهی از گناه باز داشته بشوند. یا با یک راستی، وارد گناه بشود. مثلاً کسی می‌گوید آنجا چه خبر است؟ اگر راست بگوید، می‌داند که شخص در گناه وارد می‌شود. این مصداق، صدق در فساد است.



شماره ثبت: ۳۱۲۷

۲. احتمال دوم این است که به خاطر مناسبات حکم و موضوع و ارتکازاتی که وجود دارد، منظور صلاح و فساد به معنای خاص است.

اگر جمله «أَحَبُّ الْكَذِبِ فِي الصَّالِحِ وَأَبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفَاسِدِ» همین بود، احتمال اول، اظهر بود. ولی مجموعه‌ی آنچه در روایات و ادامه روایت می‌آید، انسان را مردد می‌کند که این اطلاق را بپذیرد. در نتیجه اظهر و قدر متیقن همان احتمال دوم است.

۳. تضاد بین اصلاح و افساد

نکته سوم این است که بین اصلاح و افساد، تضاد وجود دارد و قطعاً واسطه‌ای وجود دارد. چون گاهی با دروغ اصلاح و افساد می‌کند. گاهی نیز این صدق نه اصلاح و فساد می‌کند.

۴. واژه‌ی یحسن

نکته‌ای چهارم در ادامه روایت است. حضرت در ادامه دوباره می‌فرماید: «ثَلَاثٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكَذِبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَ عِدَّتُكَ رَوْجَتُكَ وَ الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ» در ادامه یحسن وجود دارد که همان احب است. دوباره سه احتمال در یحسن مثل احب می‌آید که قطعاً احتمال دوم مد نظر است.

۵. مقصود روایت اصلاح بین الناس

نکته پنجم این است که «وَ الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ» در روایت ذکر شد است. در نتیجه نمی‌توان اصلاح دیگری را معنا کرد.

۶. شمولیت صلاح و فساد

صلاح و فساد اعم از اصلاح میان افراد، اعضای خانواده یا گروه‌های اجتماعی است. این اطلاق و شمول را دارد.